نشریه پژوهش های کاربردی در مدیریت و حسابداری

۲۸
سال هفتم
زمستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۹/۱۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۱/۱۱/۱۸
صص: ۱-۲۲

تاثیر مدیریت ریسک و کمیته ریسک بر عدم تقارن اطلاعاتی و خطا برآوردی اقلام تعهدی

شهلا سجادی نژاد*[۱]

چکیده

هدف اصلی این پژوهش تاثیر مدیریت و کمیته ریسک شرکت بر عدم تقارن اطلاعاتی و خطا برآوردی اقلام تعهدی است. روش این پژوهش به لحاظ نتیجه اجرا، کاربردی است. همچنین این پژوهش، با توجه به نوع داده ها و روش های تجزیه و تحلیل موجود، به لحاظ زمان انجام پژوهش، طولی است و از آنجایی که این پژوهش با هدف آزمون فرضیه انجام می شود و از نوع کمی است لذا به لحاظ هدف از نوع تحلیلی است. همچنین به دلیل اینکه پیش بینی تغییرات متغیر وابسته با توجه به تغییرات متغیرهای مستقل صورت می پذیرد، از این رو این پژوهش، از نوع همبستگی- تحلیل رگرسیون است. دوره زمانی پژوهش۷ ساله و از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. برای آزمون فرضیه‌های این تحقیق و تعیین ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته نیز از الگوهای اقتصادسنجی استفاده‌شده و فرضیه‌های مربوطه از روش رگرسیون چند متغیره پانل مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که مدیریت ریسک بر خطا اقلام تعهدی تاثیر منفی و معناداری دارد. کمیته ریسک شرکت بر خطا اقلام تعهدی تاثیر معناداری ندارد. مدیریت ریسک بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر مثبت دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت ریسک، عدم تقارن اطلاعاتی، خطا برآوردی اقلام تعهدی، کمیته ریسک.

[۱] نویسنده مسئول: کارشناس ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران / sh.sajadinezhad@gmail.com

مقدمه

همه شرکت‌ها با عدم قطعیت روبه‌رو هستند و یکی از چالش‌های مدیریت این است که چه مقدار عدم قطعیت را بپذیرد به‌طوری که ارزش ثروت ذینفعان رشد یابد. عدم قطعیت هم در مورد خطر و هم فرصت، همراه با احتمال از دست دادن یا افزایش ارزش مطرح می‌شود. مدیریت ریسک، مدیر را قادر می‌سازد علیرغم وجود عدم قطعیت و ریسک‌ها و فرصت‌های وابسته به آن، واحد اقتصادی را به صورت مؤثر اداره نموده و بدین ترتیب ظرفیت ایجاد ارزش شرکت را افزایش دهد. ارزش، زمانی حداکثر می‌شود که مدیریت، راهبرد و اهداف را برای ایجاد یک تعادل بهینه بین اهداف رشد و بازدهی با ریسک‌های مربوط تنظیم نماید، و به‌طور کارا و اثربخش منابع را در جهت دستیابی به اهداف واحد اقتصادی به کار گیرد. توانمندی‌ها و قابلیت‌ها که در ذات مدیریت ریسک وجود دارد به مدیریت کمک می‌کند تا به اهداف کمی عملکردی و سودآوری واحد اقتصادی دست یابد و از زیان دارایی‌ها پیشگیری کند. مدیریت ریسک کمک می‌کند تا از گزارشگری و رعایت قوانین و مقررات به صورت اثربخش اطمینان حاصل شود، و کمک می‌کند از تخریب شهرت واحد اقتصادی و پیامدهای آن اجتناب شود.(کاظمی و مهری نمک آورانی، ۱۳۹۷).

تقارن اطلاعاتی در صورتی ایجاد می‌شود که مدیران و سرمایه‌گذاران اطلاعات یکسانی دربارهٔ شرکت دارند. بنابراین مدیران و بازار، عدم اطمینان یکسانی را دربارهٔ شرکت تجربه می‌کنند. عدم تقارن اطلاعاتی وضعیتی است که مدیران در مقایسه با سرمایه‌گذاران، اطلاعات افشا نشدهٔ بیشتری دربارهٔ عملیات و جوانب مختلف شرکت در آینده در اختیار دارند. سرمایه‌گذاران تنها به واسطهٔ اطلاعات صورتهای مالی قادر به عکس‌العمل به‌موقع در بازار سهام نیستند و همواره تمایل به کسب اطلاعات محرمانه دارند که این کار احتمالاً به کاهش نقدشوندگی در بازار و افزایش هزینهٔ سرمایه منجر می‌شود (دیاموند[2] و همکاران، ۱۹۹۱). معمولاً زمانی که اطلاعات تازه‌ای از وضعیت شرکت‌ها در بازار منتشر می‌شود، تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان این اطلاعات را تجزیه و تحلیل می‌کنند و برمبنای آن تصمیم به خرید و فروش می‌گیرند. این اطلاعات و نحوهٔ تأثیر آن بر رفتار استفاده‌کنندگان، به‌ویژه سهامداران، موجب تغییر قیمت و حجم معاملات سهام می‌شود؛ زیرا نحوهٔ برخورد افراد با این اطلاعات جدید، نوسان قیمتی را شکل می‌دهد. بنابراین در صورت نشت اطلاعات، واکنش‌های متفاوتی از سوی سرمایه‌گذاران به‌واسطهٔ وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه مشاهده می‌شود که تحلیل‌های نادرست و گمراه‌کننده‌ای را از وضعیت جاری بازار به همراه خواهد داشت (آجینکیا[3] و همکاران، ۲۰۱۵).

مدیریت سود یکی از روش‌هایی است که گاهی اوقات برای آرایش اطلاع رسانی وضعیت مطلوب شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، و به مداخله در فرآیند تعیین سود که غالبا در راستای اهداف دلخواه مدیریت می‌باشد اطلاق می‌گردد، و توسط مدیریت جهت دستکاری داده‌ها به کار می‌رود. امروزه مدیریت سود یکی از موضوعات بحث برانگیز و جذاب در پژوهش‌های حسابداری به شمار می‌رود .به دلیل اینکه سرمایه‌گذاران به‌عنوان یکی از فاکتورهای مهم تصمیم‌گیری به رقم سود توجه خاصی دارند. از سوی دیگر، هنگامی که شرکت‌ها در وضعیت نامطلوب اقتصادی تحت فشار فزاینده قرار می‌گیرند مدیران آنها از واحد حسابداری درخواست می‌نمایند که صورت های مالی (یعنی سود) را بهبود بخشند، و بدین وسیله محتوای اطلاعاتی آن را تغییر دهند (هوپ، ۲۰۱۴).

---

[2] Diamond
[3] Ajinkya

با توجه به شیوع مسئله مدیریت سود، پژوهشگران تحقیقات گسترده‌ای در مورد عوامل داخلی و خارجی موثر بر مدیریت سود انجام داده‌اند که از جمله عوامل خارجی عبارتند از الزامات سرمایه و مقررات و عوامل داخلی شامل اندازه شرکت، عملکرد شرکت، اهرم مالی، رشد، حاکمیت شرکتی و تامین مالی می‌باشد. برخی شواهد نشان داده است که یک برنامه مدیریت ریسک شرکت ارزش شرکت را بهبود می بخشد و نوسانات سود را کاهش می دهد. در مورد مزایای مدیریت ریسک شرکت اطمینانی وجود ندارد. نظر سنجی آنالیتیس نشان داد که۴۰٪ از پاسخ دهندگان "فقدان مزایای محسوس" را مانعی برای اجرای مدیریت ریسک شرکت‌ها می دانند و این امر در صدر فهرست موانع اجرای مدیریت ریسک شرکت قرار دارد. به عنوان مثال الی لیلی، پیرلی از مدیریت ریسک برای بهبود مدیریت ریسک در زنجیره های تأمین خود استفاده کردند. اوریجین و کلارینت دریافتند که مدیریت ریسک جریان اطلاعات را در عملیات، بهبود می بخشد. این پیشرفت‌ها در برنامه ریزی باعث دقیق بودن حسابهای مالی و بهبود برآورد اقلام تعهدی می شود. کوهن و همکاران (۲۰۱۷) با استفاده از نظرسنجی از ذینفعان حاکمیت شرکتی بررسی کرد که چگونه مدیریت ریسک روند گزارشگری مالی را بهبود می بخشد. آنها دریافتند که ذینفعان حاکمیت شرکتی از نقش مدیریت ریسک در کمک به توسعه برآوردهای حسابداری قدردانی می کنند. آنها بیان نمودند که برآوردهای حسابداری مربوط به ارزیابی موجودی و مطالبات، کاهش ارزش دارایی و ذخایر ضرر وام است. این برآوردهای حسابداری مستقیماً به خطای برآورد تعهدی مربوط می شود. کوهن و همکاران براساس این یافته که ذینفعان حاکمیت شرکتی برای تخمین حسابداری بهبودیافته ای که مدیریت ریسک ایجاد می کند، ارزش قائل هستند. (جانستون و سوئلو،۲۰۲۰)

تغییرات پویایی امروزه شرکتها را از درون و بیرون تحت تأثیر قرار می‌دهند که بسته به توان مدیریت «تهدید ها» و «فرصت هایی» را برای سازمان ها خلق می کنند و منجر به تغییر شکل و شیوه کسب و کار می‌شوند؛ بنابراین حیات و سودآوری سازمان‌ها در شرایط پرتلاطم امروزی بستگی به توانمندی مدیران در رویارویی با تغییرات سریع محیطی و بهره‌برداری از فرصت‌های خلق شده دارد. تحقق این مهم جز در سایه به کارگیری مدیریت ریسک شرکت که یک نگاه کل نگر به مدیریت تهدیدها و فرصت ها در عرصه سازمان دارد، ممکن نخواهد بود (صیادی و همکاران، ۱۳۹۷). در فرایند تجزیه و تحلیل ریسک در کل شرکت، مدیران درک بهتری از شوک های احتمالی جریان های نقدی آینده دارند و بنابراین می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند، که به نظر می‌رسد این امربه نوبه خود به بهبود برآورد اقلام تعهدی کمک کند. از طرفی طبق روش‌های سنتی مدیریت ریسک، مدیران فقط بر کنترل خطرات در بخش خود تمرکز دارند. مدیریت ریسک شرکتی بر درک خطرات در سطح شرکت تأکید می‌کند. برای این منظور، مدیران با استفاده از مدیریت ریسک شرکتی باید در نظر بگیرند که چگونه خطرات موجود در یک قسمت از شرکت (خطر فروش سهام از یک فروشنده خاص) با خطرات موجود در قسمت دیگر شرکت ارتباط دارد (ضرر از فروش نام تجاری ضعیف). از طریق فرایند تجزیه و تحلیل ریسک در کل شرکت، مدیران درک بهتری از شوک‌های احتمالی جریان‌های نقدی آینده دارند و بنابراین می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند؛ که به نوبه خود به بهبود برآورد اقلام تعهدی کمک می‌کند (جانستون و سوئلو، ۲۰۲۰). لذا با توجه به مطالب ذکر شده در بالا در این پژوهش به بررسی تاثیر مدیریت ریسک شرکت بر تقارن اطلاعاتی خطای برآورد اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازیم.

بنابراین، در ادامه ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه می گردد و به دنبال آن فرضیه های پژوهش، نحوه آزمون فرضیه ها و جامعه و نمونه آماری پژوهش توضیح داده می شود و در قسمت پایانی نیز، یافته ها و نتایج پژوهش بیان می شود.

ضرورت انجام تحقیق

شناسایی مدیریت سود برای استفاده کنندگان از صورتهای مالی جهت ارزیابی عملکرد دوره جاری، پیش بینی سودآوری آتی و همچنین تعیین ارزش شرکت از اهمیت به سزایی برخوردار است. با این وجود، اغلب شناسایی و تشخیص مدیریت سود به ویژه در مواردی که این مقوله با انگیزهی آشکاری انجام نشده است، مشکل و زمان بر است و تحقیقات دانشگاهی معیارهای مختلفی را جهت شناسایی مدیریت سود استفاده کرده اند. در جهان پرتلاطم امروزی که سازمان‌ها و جوامع با تحولات شگرف محیطی و تکنولوژی و به تبع آن تجارت جهانی و جهانی شدن روبه‌رو هستند، توان دستیابی به سطح مطلوب و مورد انتظاری از عملکرد در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. در این رهگذر آنچه می‌تواند حیات بالنده و رو به رشد شرکت‌ها را تضمین کند، وجود مدیریت ریسک و نظام مدیریتی مقتدر و کارآمد است. مدیریت ریسک جریان اطلاعات را در عملیات، بهبود می بخشد. پیش فرض اصلی مدیریت ریسک این است که دلیل وجود هر واحد اقتصادی ایجاد ارزش برای ذینفعان خود می‌باشد فرایند تجزیه و تحلیل ریسک در کل شرکت، مدیران درک بهتری از شوک های احتمالی جریان های نقدی آینده دارند و بنابراین می توانند تصمیمات بهتری بگیرند.

پژوهش‌های اخیر انجام شده در خارج از کشور مدیریت ریسک را به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار بر خطای برآورد اقلام تعهدی می‌دانند با اینکه مطالعات در کشورهای توسعه یافته حاکی از اثر مدیریت ریسک بر خطای برآورد اقلام تعهدی دارد، اما زمینه بررسی بیشتر به خصوص در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. در ایران که از جمله کشورهای در حال توسعه است، خلاء تحقیقاتی و به تبع آن عدم توجه به اثر مدیریت ریسک بر خطای برآورد اقلام تعهدی کاملا مشهود است. انجام پژوهش در زمینه خطای برآورد اقلام تعهدی می‌تواند راهگشای تصمیم‌گیری‌های مهم اقتصادی برای گروه‌های مختلف ذینفع، بویژه سرمایه‌گذاران باشد و می‌تواند موجب بازنگری و یا بسط نتایج مطالعات گذشته در زمینه خطای برآورد اقلام تعهدی شود. شواهد پژوهش به عنوان یک دستاورد علمی می تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه‌گذاران و قانون گذاران حوزه بازار قرار دهد و شکاف موجود در ادبیات این حوزه را کاهش دهد.

پیشینه پژوهش

جانستون و سوئلو (۲۰۲۰) به بررسی ارتباط بین مدیریت ریسک سازمانی و خطای برآورد اقلام تعهدی طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۱۱ پرداختند. نتایج بررسی‌ها نشان داد که داشتن یک برنامه مدیریت ریسک سازمانی با خطای برآورد اقلام تعهدی ارتباط منفی دارد و داشتن یک برنامه مدیریت ریسک سازمانی با اقلام تعهدی غیر عادی امضا شده ارتباط مثبتی دارد ، که نشان می دهد این نتایج به دلیل کاهش مدیریت سود نیست. نتایج با این تئوری سازگار است که مدیریت ریسک سازمانی درک مدیران از شرکت و خطرات احتمالی آن را بهبود می بخشد.

وو و همکاران[۴] (۲۰۱۹) به «بررسی رابطه بین استقلال هیئت مدیره و عدم تقارن اطلاعاتی: مقایسه شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های غیر خانوادگی» پرداختند. در این تحقیق نویسندگان به صورت دستی اقدام به گردآوری اطلاعات بنیان گذاران شرکت‌ها به منظور تبیین و شناسایی جایگاه شرکت‌های خانوادگی در نمونه‌ای از شرکت‌های عضو S-P500 طی سال‌های ۱۹۹۶ الی ۲۰۰۶ نموده‌اند. نویسندگان تحقیق به وجود رابطه منفی بین استقلال هیئت مدیره و عدم تقارن اطلاعاتی پی برده‌اند و این نشان از آن دارد که مدیران مستقل در زمینه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نقش مؤثرتری دارند. مضاف بر آن، نویسندگان مزبور دریافته‌اند که این رابطه منفی در خصوص شرکت-های خانوادگی چشمگیرتر است.

شین و اوه[۵] (۲۰۱۷) طی پژوهشی با عنوان ((تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر روی رابطه بین افشای اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی در کره)) و با استفاده از داده‌های مربوط به افشای اختیاری شرکت‌های موجود در بورس سهام کره در دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۴، نخست رابطه بین افشای اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی را بررسی کرده و سپس بررسی کرده‌اند که تا چه حد این ارتباط از زمانی که کره استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی[۶] در سال ۲۰۱۱ را اتخاذ کرده است، تحت تأثیر کیفیت اقلام تعهدی قرار دارد. نمونه‌های نهایی تحقیق مربوط به افشای اختیاری برای این مطالعه شامل ۱۲۲۶ (سال-سازمان) شرکت است. یافته‌های تحقیق به صورت کلی فرضیه‌های آنها را تائید می‌کنند. نخست، رابطه بین افشای اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی از نظر آماری به طور معناداری مثبت است. شرکت‌های کره‌ای دارای افشا اختیاری زیاد،نوسان بازده سهام روزانه بالا و حجم معاملاتی کمتری تجربه کردند که نشان می-دهند که شرکت‌ها تمایل به افشای اطلاعات سوگیری شده به بیرون از سازمان دارند که با مطالعات قبلی در کره سازگاری دارد. ثانیاً، کیفیت اقلام تعهدی(متغیر تعدیلی) مربوط به رابطه بین افشای اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی از نظر آماری معناداری منفی دارد.

شایان‌نیا و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهش خود با عنوان "تاثیر ساختار مالکیت بر مدیریت سود با تاکید بر درماندگی مالی"، به این نتیجه دست یافتند که سهامداران خارجی قادرند که مدیریت سود واقعی وابسته به هزینه‌های اختیاری را محدود کنند اما در رابطه با چرخه عملیاتی، ناتوان اند. این مطالعه به اهمیت تنوع ساختارهای مالکیت در نظارت بر دستکاری درآمد در شرکت ها کمک می‌کند.

براون و هایلیجیست[۷] (۲۰۱۷) طی پژوهشی با عنوان «افشای اختیاری چگونه بر سطوح عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر می‌گذارد؟» به وجود رابطه منفی بین بالا بودن کیفیت افشاسازی و پایین بودن عدم تقارن اطلاعاتی استناد نمودند. مضاف بر آن، نظریه اقتصادی پیش بینی می‌کند که تعهد به افزایش میزان افشاسازی منجر به کاهش احتمال عدم تقارن اطلاعاتی پدید آمده بین شرکت و سهامدارانش می‌گردد.

اینام و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی کمیته‌ی حسابرسی، کیفیت حسابرسی و مدیریت سود: یک فرا تحلیل (متاآنالیز)» تا دریابند آیا تفاوت در نتایج مطالعات قبلی با اثرات تعدیل‌کننده‌ی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و اندازه‌گیری مدیریت سود مرتبط است یا خیر؟ آن‌ها با استفاده از متاآنالیز بسیاری از روابط مهم را شناسایی

4 Wu, Kean & Sorensen, Susan & Sun, Li
5 Shin and Oh
6 IFRS
7 Brown and Hillegeist

کرده‌اند و دریافتند که استقلال کمیته‌ی حسابرسی، اندازه و تخصص و تعداد جلسات رابطه‌ی منفی با مدیریت سود دارد و همچنین رابطه‌ای منفی بین اندازه‌ی حسابرس و تخصص با مدیریت سود وجود دارد.

صالحی و زاد دوستی(۱۳۹۹) به بررسی نقش ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ پرداختند. در این پژوهش برای ارزیابی حاکمیت شرکتی از متغیرهای مدت زمان تصدی مدیر عامل، اتکا بر بدهی، تمرکز مالکیت، استقلال هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل، و مالکیت نهادی استفاده شده است. مدل آماری پژوهش با بهره مندی از روش رگرسیون برآورد شده و یافته‌های پژوهش بیانگر وجود رابطه منفی و معنادار بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود است. هم‌چنین بین مالکیت نهادی، اتکای بر بدهی، و استقلال هیات مدیره با مدیریت سود رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. تمرکز مالکیت و مدیریت سود دارای رابطه معنادار نبوده و بین مدت زمان تصدی مدیرعامل و دوگانگی وظیفه با مدیریت سود نیز رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. بین حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی رابطه معنادار و مستقیم مشاهد شد. مالکیت نهادی، مدت زمان تصدی مدیرعامل و استقلال هیات مدیره نیز دارای رابطه مستقیم و معنادار با عملکرد مالی بوده ولی بین تمرکز مالکیت، اتکای بر بدهی با عملکرد مالی رابطه معنادار حاکم نیست. هم‌چنین، بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و عملکرد مالی رابطه معکوس و معنادار مشاهده گردید.

کاظمی و مهری نمک آورانی(۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر مدیریت سود واقعی و مدیریت ریسک یکپارچه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در۷۵ شرکت طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۸۷ پرداختند.. توانایی مدیران با استفاده از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) اندازه گیری شده است و جهت اندازه گیری مدیریت سود واقعی از سه معیار سطح غیرعادی جریان نقدی عملیاتی، سطح غیرعادی هزینه های تولیدی و سطح غیرعادی هزینه های اختیاری استفاده شد و مدیریت ریسک یکپارچه نیز از طریق معیارهای ریسک استراتژی، ریسک عملیاتی، ریسک گزارشگری، ریسک رعایت قوانین و مقررات مالیاتی اندازه گیری شد. یافته های پژوهش نشان داد بین توانایی مدیریت و مدیریت سود واقعی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و بین توانایی مدیریت و مدیریت ریسک یکپارچه شرکت ها ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر می تواند در راستای کاهش بحران های مالی ناگهانی در اقتصاد سودمند باشد.

فتاحی نافچی و فاضل دهکردی(۱۳۹۷) به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی در ۱۱۸ شرکت پذیرفته شده در بورس در در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ پرداختند. برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از چهار ویژگی دوره تصدی حسابرس، اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و استقلال حسابرس استفاده شده است و جهت محاسبه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی از مدل جونز تعدیل شده و همچنین برای محاسبه مدیریت سود واقعی از سه مولفه جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه تولید غیرعادی و کاهش هزینه‌های اختیاری نیز استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود روند کاهشی دارد و استقلال حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی در مقایسه با دیگر مولفه‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، تاثیرگذارتر و دارای ارتباط منفی و معناداری به ترتیب با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی می‌باشند.

واقفی و جعفری (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان ((بررسی ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و تمرکز مالکیت با مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)) مورد بررسی قرار داده‌اند. دوره زمانی مورد مطالعه طی سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ است. در مجموع ۱۰۹ شرکت فعال بورسی به عنوان نمونه انتخابی در نظر گرفته شد. در فرضیه اول تحقیق، پیش بینی شده است که بین تمرکز مالکیت و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق نشان دهنده یک ارتباط مستقیم و معنی دار بین این متغیر با سطح عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. به عبارت دیگر، با افزایش تمرکز مالکیت درطول دوره تحقیق، عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای نمونه آماری افزایش یافته است. در فرضیه دوم تحقیق، پیش بینی شده است که بین مدیریت سود با عدم تقارن اطلاعاتی و تمرکز مالکیت رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج تحقیق فرضیه دوم راتائید می کند.

نجفی زاده و مهام (۱۳۹۵) پژوهشی را با عنوان ((بررسی ارتباط بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط عدم اطمینان محیطی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)) مورد بررسی قرار داده‌اند. فرضیات تحقیق بر مبنای یک نمونه آماری متشکل از ۹۲ شرکت برای یک دوره ۱۰ سال، از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۱ و با استفاده از مدل‌های رگرسیون ساده و چند متغیره و روش داده‌های پانل، مورد آزمون قرار گرفته است. پیچیدگی و پویایی شرکتها معیار اندازه گیری عدم اطمینان محیطی است. پیچیدگی با بررسی تولیدی یا غیر تولیدی بودن واحد تجاری و همچنین تعداد محصولات تولید شده اندازه گیری شده و برای اندازه گیری پویایی از نوسانات رشد فروش استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از این است که، مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی با یکدیگر ارتباط مستقیم دارند. همچنین این تحقیق نشان داد که با افزایش عدم اطمینان محیطی، رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی تضعیف می‌شود.

فرضیه ها و مدل پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه های پژوهش به صورت زیر بیان می شوند؛

فرضیه اول: مدیریت ریسک بر خطا اقلام تعهدی تاثیر گذار است.

فرضیه دوم: کمیته ریسک شرکت بر خطا اقلام تعهدی تاثیر گذار است.

فرضیه سوم: مدیریت ریسک بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر گذار است.

مدل تحقیق بر گرفته از تحقیق جانستون[8] و سولیوا[9] (۲۰۲۰) است. مدل تحقیق به قرار زیر است:

$$abs(ABACC)_{it} = \beta_0 + \beta_1 ERM_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 sdCFO_{it} + \beta_4 sdSALE_{it} + \beta_5 lev_{it} + \beta_6 NEG_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 GROWTH_{it} + \beta_8 OPAGUE_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$abs(ABACC)_{it} = \beta_0 + \beta_1 COMMITTEE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 sdCFO_{it} + \beta_4 sdSALE_{it} + \beta_5 lev + \beta_6 NEG_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 GROWTH_{it} + \beta_8 OPAGUE_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

[8] Johnston
[9] Soileau

$$Assy\,V_{it} = \beta_0 + \beta_1 ERM_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 sdCFO_{it} + \beta_4 sdSALE_{it} + \beta_5 lev_{it} + \beta_6 NEG_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 GROWTH_{it} + \beta_8 OPAGUE_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این مدل i نماد شرکت، t نماد سال، پسماند مدل، و .. ضرایب متغیر های تحقیق هستند. به‌منظور درک بهتر مدل نحوه محاسبه متغیرها در زیر به تفکیک توضیح داده‌شده است.

متغیر وابسته

خطا اقلام تعهدی ($abs(ABACC)_{it}$)**:** مدل استفاده‌شده برای محاسبه مقدار خطا اقلام تعهدی بر اساس اقلام تعهدی مدل استفاده‌شده توسط کازنیک (۱۹۹۹) است که به عبارت زیر می‌باشد:

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_0\left(\frac{1}{TA_{it-1}}\right) + \alpha_1\frac{(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \alpha_2\left(\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}}\right) + \alpha_3\left(\frac{\Delta cfo_{it}}{TA_{it-1}}\right) + \varepsilon_{it}$$

TAC_{it}: جمع اقلام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان‌های نقدی عملیاتی) در سال t برای شرکت تحت مطالعه i

TA_{it-1}: جمع دارایی‌های در سال t-1 برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREV_{it}**:** تغییرات درآمد طی سال t-1 تا t برای شرکت تحت مطالعه i

ΔREC_{it}: تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتنی طی سالهای t-1 تا t برای شرکت‌های تحت مطالعه i

PPE_{it} : مبلغ ناخالص اموال ، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال t برای شرکت‌های تحت مطالعه i

Δcfo_{it}: تغییرات جریان نقد عملیاتی

ε_{it}: مجموع خطای رگرسیون، فرض بر این است که به‌صورت مقطعی نا همبسته و دارای توزیع نرمال با میانگین صفر هستند. قدر مطلق پسماند مدل نشان دهنده خطا اقلام تعهدی یا همان مدیریت سود تعهدی است.

عدم تقارن اطلاعاتی حجم معاملات ($Assy\ V_{it}$): برای محاسبه عدم تقارن اطلاعاتی بر اساس حجم معاملات، حجم معاملات سهام شرکت تقسیم بر کل سهام منتشر شده شرکت در یکسال را محاسبه سپس و همین روند را برای حجم معاملات صنعتی که شرکت در آن وجود دارد انجام داده و تقسیم این دو عدد نشان دهنده عدم تقارن اطلاعاتی بر اساس حجم است. تفاوت این دو نسبت نشان دهنده عدم تقارن اطلاعاتی است.

متغیر مستقل

مدیریت ریسک (ERM_{it}): در این پژوهش مدیریت ریسک خود دارای چهارعامل عدم اطمینان محیطی، رقابت صنعت، اندازه شرکت و نظارت هیات مدیره می باشد که با استفاده از روش مولفه های اصلی از برآیند این چهار عامل یک شاخص به عنوان مدیریت ریسک در نظر گرفته می شود. تحلیل مولفه‌های اصلی در تعریف ریاضی یک تبدیل خطی متعامد است که داده را به دستگاه مختصات جدید می‌برد به طوری که بزرگترین واریانس داده بر روی اولین محور مختصات، دومین بزرگترین واریانس بر روی دومین محور مختصات قرار می گیرد و همین طور برای بقیه. تحلیل مولفه‌های اصلی می‌تواند برای کاهش ابعاد داده مورد استفاده قرار بگیرد، به این ترتیب مولفه‌هایی از مجموعه داده را که بیشترین تاثیر در واریانس را دارند حفظ می‌کند. به طورکلی کاربرد عمده روش تحلیل اجزای اساسی عبارت است از: کاهش تعداد متغیرها و یافتن ساختار ارتباطی بین متغیرها که در حقیقت همان

دسته بندی متغیرها است. مزیت اصلی کاربرد این روش در اقتصادسنجی از بین بردن همخطی در مدلها به واسطه تعداد زیاد متغیرهای موثر در مدل می باشد. این چهارعامل با توجه به پژوهش‌های گوردن لاورس و همکاران(۲۰۰۹) عبارتند از:

۱ - عدم اطمینان محیطی(Eu): به عنوان تغییر یا تغییرپذیری در محیط داخلی سازمان تعریف شده است که با استفاده از مجموع دو پارامتر زیر اندازه گیری می شود:

الف) بازار- ضریب تغییرات فروش $CV(S_{it})$: نسبت فروش سال t منهای سال $t\text{-}1$ تقسیم بر فروش سال $t\text{-}1$

S_{it}=فروش شرکت i در سال t.

$$CV(S_{it}) = \frac{S_{it} - S_{it-1}}{S_{it-1}}$$

ب) سود- ضریب تغییرات سود خالص قبل از مالیات ($CV(I_{it})$).

I_{it}:سود خالص قبل از مالیات شرکت i در سال t

$$CV(I_{it}) = \frac{I_{it} - I_{it-1}}{I_{it-1}}$$

۲ - رقابت صنعت(CI): رقابت صنعت، تمرکز صنعت را اندازه گیری می کند که تمرکز پایین یعنی رقابت بالا. رقابت صنعت از مجموع سهم های بازار همه شرکت ها در صنعت بدست می آید. سهم بازار از طریق رابطه زیر، فروش های هر شرکت تقسیم بر کل فروش های صنعت بدست می آید.

$$\boldsymbol{CI = \sum_{t=1}^{n} \frac{S_{it}}{Total\ S_{st}}}$$

S_{it}:فروش شرکت i در سال t

S_{st}:فروش صنعت s در سال t

۳- اندازه شرکت(FS): اندازه شرکت به وسیله شاخص های مختلفی مشخص می شود از جمله این شاخص ها می توان به ارزش دارایی ها، میزان فروش، ارزش بازار سهام و... اشاره کرد. در اینجا اندازه شرکت از رابطه زیر، از طریق لگاریتم طبیعی میانگین مجموع دارایی ها، اندازه گیری می شود.

$$\boldsymbol{FS = \log(ave\ total\ assets_{it})}$$

$ave\ assets_{it}$= میانگین ساده مجموع دارایی های شرکت i در سال t

۴ - نظارت هیات مدیره(MBD): متغیر نظارت هیات مدیره از رابطه زیر، از طریق تقسیم تعداد اعضای هیات مدیره بر لگاریتم طبیعی فروش ها محاسبه و اندازه گیری می شود.(تاری وردی و دامچی جلودار،۱۳۹۱)

$$\boldsymbol{MBD = \frac{board\ of\ directors}{\log(S_{it})}}$$

کمیته ریسک ($COMMITTEE_{it}$): اگر در سال t کمیته ریسک تشکیل جلسه داده باشد متغیر یک در غیر این صورت صفر است. (برای دسترسی به این متغیر به گزارش هیئت مدیره مراجعه شد).

متغیر های کنترلی:

اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت

نوسانات جریان نقد عملیاتی ($\mathrm{sdCFO_{it}}$): انحراف معیار سه دوره نسبت جریان نقد عملیاتی تقسیم بر ارزش دفتری دارایی ها

اهرم مالی ($\mathrm{lev_{it}}$): تقسیم بدهی کل بر ارزش دفتری دارایی

زیان (NEG_{it}): اگر شرکت در طول دو سال متوالی زیان ده باشد این متغیر یک در غیر این صورت صفر است.

ارزش بازار به دفتری (MTB_{it}): نسبت ارزش بازاری شرکت تقسیم بر ارزش دفتری دارایی ها

رشد فروش (GROWTH_{it}): تغییرات فروش بین دو دوره مالی تقسیم بر سال قبل

خطا اقلام تعهدی تجمعی (OPAGUE_{it}): مجموع سه دوره خطا اقلام تعهدی

بازده دارایی ها (ROA_{it}): تفاوت سد خالص بر ارزش دفتری دارایی

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر فرآیند اجرا (نوع داده ها) یک پژوهش کمی، از نظر نتیجه اجرای آن یک پژوهش کاربردی است. هدف تحقیق کاربردی، توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. هم چنین تحقیق حاضر، از نظر روش و ماهیت از نوع تحقیق همبستگی است. روش تحقیق از نظر هدف اجرا یک پژوهش تحلیلی، از نظر منطق اجرا یک پژوهش قیاسی-استقرایی و از نظر بعد زمانی یک پژوهش طولی (پس رویدادی) است. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با مبانی تئوریک و ادبیات پژوهش از روش مطالعه کتابخانه ای استفاده شده است و با مراجعه به کتب، مقالات و پایان‌نامه ها اطلاعات لازم برای این بخش جمع آوری گردید. در بخش آزمون فرضیات نیز از روش اسناد کاوی صورت‌های مالی شرکت‌ها در سایت بورس اوراق بهادار تهران به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد و اطلاعات موردنیاز، از صورت های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها در سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران، سایت کدال و نرم افزار ره آورد نوین استخراج گردید.

جامعه و نمونه آماری

در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیات تحقیق از داده‌های مالی طبقه‌بندی شده و حسابرسی شده شرکت‌های فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ می‌باشد که حائز معیارهای زیر باشند:

۱. قبل از سال ۱۳۹۳ وارد بورس اوراق بهادار شده باشد.
۲. در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره مالی نداشته باشند.
۳. جزء شرکت‌های فعال در حوزه فعالیت‌های مالی، از جمله شرکت‌های سرمایه گذاری، بانک ها، بیمه‌ها و مؤسسات مالی نباشند. به دلیل اینکه این مؤسسات ازلحاظ ماهیت فعالیت، متفاوت بوده و درآمد اصلی آن‌ها حاصل از سرمایه گذاری است و وابسته به فعالیت سایر شرکت‌ها هستند، لذا ماهیتاً با سایر شرکت‌ها متفاوت می باشند و بنابراین، از نمونه مورد بررسی حذف خواهند شد.
۴. دوره مالی آن‌ها منتهی به ۱۲/۲۹ هرسال باشد .
۵. تا سال ۱۳۹۹ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده باشد.

۶. اطلاعات آن در دسترس باشد.

تعداد شرکت‌های نمونه و نحوه فیلتر شدن آن‌ها در جدول زیر گزارش شده است:

تعداد شرکت‌های پذیرفته شده تا پایان سال ۱۳۹۹		۵۶۴
فیلتر اول	شرکت‌های که بعد از سال ۱۳۹۳ وارد بورس شده‌اند.	(۱۳۶)
فیلتر دوم	شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری	(۵۹)
فیلتر سوم	سال مالی غیر ۱۲/۲۹	(۱۱۳)
فیلتر چهارم	تغییر سال مالی داده‌اند.	(۱۴)
فیلتر پنجم	طی بازه زمانی تحقیق از بورس خارج شده باشد.	(۴۲)
فیلتر ششم	اطلاعات آن در دسترس نباشد	(۹۱)
تعداد شرکت‌ها		۱۰۹

به‌این‌ترتیب از بین شرکت‌های جامعه آماری ۱۰۹ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش، جهت بررسی و آزمون فرضیات انتخاب گردیدند. تعداد شرکت های نمونه بر اساس فرمول زیر در نظر گرفته می شود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

در جدول ۲ مشاهده می‌شود که متغیر اهرم مالی دارای میانگین ۵۸٪ بوده که به این معناست که ۵۸ درصد از کل دارایی‌ها در شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تامین شده است. متغیر زیان دارای میانگین ۴۱٪ بوده که به این معناست که ۴۱ درصد از شرکت‌های مورد بررسی، در طول دو سال متوالی کاهش سود (یا افزایش زیان) داشته‌اند. متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری دارای میانگین ۲۶۷٪ است که بیانگر آن است که ارزش بازاری شرکت-های مورد بررسی، ۲/۶۷ برابر ارزش دفتری در این شرکت‌ها بوده است. متغیر رشد فروش دارای میانگین ۴۲٪ بوده که بیانگر این مطلب است که میزان فروش در شرکت‌های مورد بررسی در هر سال نسبت به سال قبل، ۴۲ درصد رشد داشته است. متغیر بازده دارایی‌ها دارای میانگین ۱۳٪ بوده که به این معناست که ۱۳ درصد از ارزش دفتری دارایی‌ها به سود خالص تبدیل شده است.

جدول ۲: آمار توصیفی

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	تعداد مشاهده
عدم تقارن اطلاعاتی حجم معاملات	۰.۱۹۴۵۷۸	۰.۰۷۱۷۵۶	۱۳.۱۱۰۴۲	۰.۰۰۰۲۰۲	۰.۷۲۴۰۴۰	۷۶۳
خطای اقلام تعهدی	-۰.۰۲۵۳۹۲	-۰.۰۰۹۸۹۵	۰.۸۶۳۳۵۸	-۰.۹۹۶۹۲۴	۰.۱۹۳۷۰۵	۷۶۳
مدیریت ریسک	۰.۱۳۱۷۸۲	۰.۲۰۴۵۴۹	۶.۰۳۱۳۲۴	-۴.۵۷۰۸۴۱	۱.۳۶۸۰۰۱	۷۶۳
کمیته ریسک	۰.۴۷۳۱۳۲	۰.۰۰۰۰۰۰	۱.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۴۹۹۶۰۵	۷۶۳
اندازه شرکت	۱۴.۷۶۶۳۷	۱۴.۶۲۵۹۳	۲۰.۳۰۷۲۲	۱۱.۱۲۸۹۲	۱.۴۴۷۰۰۸	۷۶۳

نوسانات جریان نقد عملیاتی	۰.۱۷۶۸۷۹	۰.۰۳۶۵۹۵	۵.۰۲۱۲۶۹	۰.۰۰۰۰۰۰۸	۰.۴۵۷۴۶۴	۷۶۳
اهرم مالی	۰.۵۸۷۰۱۹	۰.۵۶۸۸۸۵	۳.۸۵۱۷۲۱	۰.۰۲۵۴۳۰	۰.۲۸۹۱۱۶	۷۶۳
زیان	۰.۴۱۹۳۹۷	۰.۰۰۰۰۰۰	۱.۰۰۰۰۰۰	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۴۹۳۷۸۴	۷۶۳
ارزش بازار به دفتری	۲.۶۷۹۴۷۹	۰.۳۷۸۱۲۱	۴۹.۸۲۳۶۹	۰.۰۰۰۳۴۹	۶.۸۶۰۹۷۰	۷۶۳
رشد فروش	۰.۴۲۶۵۱۱	۰.۲۱۴۰۵۰	۲۱.۶۸۵۹۵	-۱.۰۰۰۰۰۰	۱.۱۹۵۶۵۴	۷۶۳
خطا اقلام تعهدی تجمعی	۰.۰۹۹۵۳۶	۰.۰۵۹۷۷۶	۱.۴۷۲۰۵۲	۰.۰۰۰۰۰۰	۰.۱۵۲۶۵۹	۷۶۳
بازده دارایی‌ها	۰.۱۳۸۶۸۰	۰.۰۲۴۴۹۴	۳.۹۵۳۸۸۶	-۱.۰۶۹۵۵۲	۰.۴۰۶۸۶۷	۷۶۳

آزمون توزیع متغیرها

یکی از شروط لازم جهت استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیون در آزمون فرضیه های تحقیق نرمال بودن توزیع متغیر وابسته است که در این تحقیق برای آزمون توزیع متغیرهای تحقیق و آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق از آماره جارکا و برا(Jarque-Bera) استفاده شده است.

جدول ۳: توزیع متغیر وابسته

متغیرها	آزمون جارک و برا	ارزش احتمال
عدم تقارن اطلاعاتی حجم معاملات	۵.۳۶۴۸۶۱	۰.۰۶۹۸۲۶
خطای اقلام تعهدی	۴.۶۴۰۵۲۱	۰.۰۷۱۲۶۳

در جدول ۳ مشاهده می‌شود که با توجه به آماره جارکا و برا (Jarque-Bera) که معناداری آن بیشتر از ۵ درصد است، توزیع متغیر وابسته تحقیق نرمال است.

همبستگی متغیرهای تحقیق

اساسی‌ترین و در عین حال مقدماتی‌ترین روشی که در تحقیقات پیش‌بینی بکار می‌رود، تعیین ضریب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بینی کننده (مستقل و کنترلی) و متغیر وابسته (پیش‌بینی شونده) است. با توجه به اینکه مقیاس‌ها فاصله‌ای می‌باشند از آزمون همبستگی پیرسون استفاده‌شده است. در این جدول عدد اول از بالا نشان‌دهنده میزان همبستگی و عدد دوم نشان‌دهنده ارزش احتمال است.

جدول شماره ۴: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون

	مدیریت ریسک	کمیته ریسک	اندازه شرکت	نوسانات جریان نقد عملیاتی	اهرم مالی	زیان	ارزش بازار به دفتری	رشد فروش	خطا اقلام تعهدی تجمعی
مدیریت ریسک	۱.۰۰۰								

کمیته ریسک	۰.۳۶۸	۱.۰۰۰							
	۰.۰۰۰	-----							
اندازه شرکت	۰.۶۷۹	۰.۴۳۸	۱.۰۰۰						
	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	-----						
نوسانات جریان نقد عملیاتی	-۰.۱۹۳	-۰.۱۷۲	-۰.۲۳۹	۱.۰۰۰					
	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	-----					
اهرم مالی	۰.۰۶۸	۰.۱۲۲	۰.۰۳۳	۰.۰۲۴	۱.۰۰۰				
	۰.۰۶۲	۰.۰۰۱	۰.۳۶۱	۰.۵۰۴	-----				
زیان	-۰.۰۴۱	۰.۰۰۲	-۰.۰۴۸	۰.۰۵۷	۰.۰۰۹	۱.۰۰۰			
	۰.۲۶۶	۰.۹۶۱	۰.۱۸۷	۰.۱۱۸	۰.۸۱۵	-----			
ارزش بازار به دفتری	-۰.۱۴۵	-۰.۰۸۸	-۰.۲۳۶	۰.۱۵۶	-۰.۰۳۲	-۰.۲۰۳	۱.۰۰۰		
	۰.۰۰۰۱	۰.۰۱۶	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۳۸۷	۰.۰۰۰	-----		
رشد فروش	۰.۱۲۶	-۰.۰۴۲	۰.۰۹۷	-۰.۰۳۱	-۰.۰۹۴	-۰.۰۴۷	-۰.۰۳۱	۱.۰۰۰	
	۰.۰۰۰۶	۰.۲۵۹	۰.۰۰۸	۰.۳۹۷	۰.۰۱۰	۰.۱۹۵	۰.۳۸۶	-----	
خطا اقلام تعهدی تجمعی	۰.۰۳۴	۰.۰۳۸	۰.۰۳۵	۰.۲۰۵	-۰.۰۱۹	۰.۰۲۳	۰.۰۰۷	-۰.۰۳۲	۱.۰۰۰
	۰.۳۴۴	۰.۲۹۲	۰.۳۴۱	۰.۰۰۰	۰.۵۹۶	۰.۵۲۷	۰.۸۴۴	۰.۳۷۸	-----
بازده دارایی‌ها	-۰.۱۰۵	-۰.۱۰۸	-۰.۱۷۶	۰.۱۱۱	-۰.۰۰۴	-۰.۲۴۴	۰.۵۷۶	-۰.۰۵۷	۰.۰۰۴
	۰.۰۰۴	۰.۰۰۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۲	۰.۸۹۸	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۱۸	۰.۸۹۵

از جدول ۴ می‌توان رابطه بین متغیرهای مستقل و کنترلی را با یکدیگر نشان داد. درصورتی‌که بین متغیرهای مستقل و کنترلی رابطه همبستگی قوی وجود داشته باشد هر دو متغیر نمی‌توانند در یک مدل آماری قرار بگیرند. علت آن وجود هم خطی در بین دو متغیر است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود هیچ جفت متغیر مستقل و کنترلی رابطه همبستگی قوی با یکدیگر ندارند.

ارزیابی فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب بیان شده در فصل‌های قبل فرضیه‌های این پژوهش به شرح زیر بیان شده است:

۱- مدیریت ریسک بر خطا اقلام تعهدی تاثیرگذار است.

۲- کمیته ریسک شرکت بر خطا اقلام تعهدی تاثیرگذار است.

۳- مدیریت ریسک بر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیرگذار است.

برای ارزیابی فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون حداقل مربعات خطی داده‌های پانل استفاده می‌شود. برای این منظور آزمون ناهمسان واریانس، f لیمر، خودهمبستگی و هاسمن انجام می‌گیرد.

بررسی ناهمسانی واریانس

برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس بین جملات اخلال در مدل‌های استفاده شده در تحقیق، از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس وایت LR به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۵: نتایج آزمون ناهمسانی

مدل	شرح	مقدار آماره	ارزش احتمال	نتیجه
۱	LR	۱۱۱۹.۵۵۳	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس
۲	LR	۱۱۱۶.۱۱۹	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس
۳	LR	۳۲۸۶.۰۶۹	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس

همانطور که مشاهده می‌شود برای آزمون مدل‌های تحقیق نیاز به استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته یا EGLS است.

آزمون معنی دار بودن روش اثرات ثابت

به منظور بررسی معنی‌دار بودن روش اثرات ثابت، باید از دو آزمون **F** لیمر و هاسمن استفاده نمود. نتایج آزمون F لیمر به قرار زیر است:

جدول۶: نتایج آزمون آمارهF(Test cross-section fixed effects)

مدل	شرح	مقدار آماره	ارزش احتمال	نتیجه
۱	*Cross-section F*	۳.۹۴۵۷۳۸	۰.۰۰۰۰	داده‌ها پانل
۲	*Cross-section F*	۳.۶۷۰۱۸۳	۰.۰۰۰۰	داده‌ها پانل
۳	*Cross-section F*	۲.۹۴۹۶۳۲	۰.۰۰۰۰	داده‌ها پانل

همانطور که مشاهده می‌شود برای آزمون مدل‌های تحقیق، اثرات وجود داشته و برای مشخص نمودن نوع اثرات، نیاز به استفاده از آزمون هاسمن می‌باشد.

نتایج آزمون هاسمن به قرار زیر است:

جدول۷: نتایج آزمون هاسمن(Hausman Test)

مدل	شرح	مقدار آماره	ارزش احتمال	نتیجه
۱	Cross-section random	۱۹.۶۶۳۰۲۹	۰.۰۲۰۱	اثرات ثابت
۲	Cross-section random	۲۰.۷۱۵۶۵۳	۰.۰۱۴۰	اثرات ثابت
۳	Cross-section random	۲۵.۹۵۷۳۸۴	۰.۰۰۰۰	اثرات ثابت

باتوجه به اینکه در آزمون به عمل آمده برای مدل‌های تحقیق، احتمال بدست آمده کمتر از ۵ درصد می‌باشد، بنابراین در هر سه مدل باید از روش اثرات ثابت استفاده نماییم.

برآورد مدل‌های تحقیق

تحقیق پیش رو دارای سه مدل است. متغیر وابسته در مدل اول، خطا اقلام تعهدی است. متغیر مستقل، مدیریت ریسک می‌باشد. نتایج آزمون این مدل به قرار زیر است:

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون مدل اول تحقیق

متغیرهای مدل	ضریب	خطای معیار	آمارهt	احتمال
مدیریت ریسک	-۰.۰۲۶۷۴۶	۰.۰۰۵۰۰۰	-۵.۳۴۹۴۶۲	۰.۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰.۰۰۷۵۳۱	۰.۰۰۴۲۴۴	۱.۷۷۴۴۹۶	۰.۰۷۶۵
نوسانات جریان نقد عملیاتی	-۰.۰۰۶۶۱۷	۰.۰۱۰۴۷۰	-۰.۶۳۱۹۷۳	۰.۵۲۷۶
اهرم مالی	۰.۰۳۰۹۴۶	۰.۰۱۴۵۵۸	۲.۱۲۵۶۶۱	۰.۰۳۳۹
زیان	-۰.۰۱۰۵۶۷	۰.۰۰۴۴۵۳	-۲.۳۷۳۱۷۱	۰.۰۱۷۹
ارزش بازار به دفتری	۰.۰۰۱۳۳۶	۰.۰۰۰۳۸۸	۳.۴۴۵۲۵۷	۰.۰۰۰۶
رشد فروش	-۰.۰۰۳۰۸۵	۰.۰۰۳۲۲۰	-۰.۹۵۸۱۶۹	۰.۳۳۸۴
خطا اقلام تعهدی تجمعی	-۰.۰۳۸۵۹۹	۰.۰۱۸۱۸۳	-۲.۱۲۲۸۲۸	۰.۰۳۴۲
بازده دارایی‌ها	-۰.۰۱۸۶۸۶	۰.۰۰۹۲۳۴	-۲.۰۲۳۵۵۸	۰.۰۴۳۴
عرض از مبدا	-۰.۱۴۹۵۱۴	۰.۰۶۳۷۲۶	-۲.۳۴۶۱۸۲	۰.۰۱۹۳
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۶۷۹۹۶۷		**دوربین واتسون**	۱.۸۱۶۱۷۵
آزمون معناداری مدل				
	آماره			**احتمال**
آماره F	۳۰۹.۵۶۱۳			۰.۰۰۰۰۰۰

ارزش احتمال آماره ضریب کلی (آمارهF) کوچک‌تر از ۵ درصد است که بیانگر آن است که رابطه‌ای خطی میان متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و رگرسیون از اعتبار آماری لازم برخوردار است.

همچنین در جدول فوق مشاهده می‌شود که ارزش احتمال برای متغیر مدیریت ریسک، ۰/۰۰۰۰ بوده و علامت ضریب برآوردی برای متغیر مذکور منفی است. از آنجا که مقدار ارزش احتمال کمتر از ۵ درصد است، می‌توان

گفت که رابطه منفی و معناداری بین مدیریت ریسک و خطا اقلام تعهدی وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تایید می‌گردد.

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۶۷ درصد و نشان دهنده این است که ۶۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود.

متغیر وابسته در مدل دوم، خطا اقلام تعهدی است. متغیر مستقل، کمیته ریسک می‌باشد. نتایج آزمون این مدل به قرار زیر است:

جدول ۹: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون مدل دوم تحقیق

متغیرهای مدل	ضریب	خطای معیار	آمارهt	احتمال
کمیته ریسک	۰.۰۱۵۹۸۷	۰.۰۰۸۸۴۸	۱.۸۰۶۹۰۲	۰.۰۷۱۳
اندازه شرکت	۰.۰۱۹۱۵۲	۰.۰۰۳۳۴۴	۵.۷۲۶۷۲۰	۰.۰۰۰۰
نوسانات جریان نقد عملیاتی	-۰.۰۱۵۶۶۱	۰.۰۱۰۷۰۲	-۱.۴۶۳۳۸۲	۰.۱۴۳۹
اهرم مالی	۰.۰۱۶۷۹۷	۰.۰۱۳۶۹۳	۱.۲۲۶۷۵۴	۰.۲۲۰۴
زیان	-۰.۰۰۹۷۵۴	۰.۰۰۴۳۲۷	-۲.۲۵۴۲۵۹	۰.۰۲۴۵
ارزش بازار به دفتری	۰.۰۰۱۳۷۲	۰.۰۰۰۳۸۳	۳.۵۸۱۹۷۴	۰.۰۰۰۴
رشد فروش	-۰.۰۰۰۴۲۰	۰.۰۰۳۱۰۰	-۰.۱۳۵۴۸۶	۰.۸۹۲۳
خطا اقلام تعهدی تجمعی	-۰.۰۴۴۵۴۵	۰.۰۱۸۴۶۵	-۲.۴۱۲۳۶۷	۰.۰۱۶۱
بازده دارایی‌ها	-۰.۰۲۲۵۷۰	۰.۰۰۹۶۷۲	-۲.۳۳۳۳۹۹	۰.۰۱۹۹
عرض از مبدا	-۰.۳۱۵۷۰۹	۰.۰۵۱۸۵۱	-۶.۰۸۸۷۲۸	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۶۸۳۳۵۳		دوربین واتسون	۱.۷۹۰۲۳۴
آزمون معناداری مدل				
	آماره			احتمال
آماره F	۳۷۴.۱۱۲۳			۰.۰۰۰۰۰۰

ارزش احتمال آماره ضریب کلی (آمارهF) کوچک‌تر از ۵ درصد است که بیانگر آن است که رابطه‌ای خطی میان متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و رگرسیون از اعتبار آماری لازم برخوردار است.

همچنین در جدول فوق مشاهده می‌شود که ارزش احتمال برای متغیر مدیریت ریسک، ۰/۰۷۱۳ می‌باشد. از آنجا که مقدار ارزش احتمال بیشتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت که رابطه معناداری بین کمیته ریسک و خطا اقلام تعهدی وجود ندارد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش رد می‌شود.

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۶۸ درصد و نشان دهنده این است که ۶۸ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود.

متغیر وابسته در مدل سوم، عدم تقارن اطلاعاتی حجم معاملات است. متغیر مستقل، مدیریت ریسک می‌باشد. نتایج آزمون این مدل به قرار زیر است:

جدول ۱۰: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون مدل سوم تحقیق

متغیرهای مدل	ضریب	خطای معیار	آمارهt	احتمال
مدیریت ریسک	۰.۰۱۲۲۷۴	۰.۰۰۳۹۶۵	۳.۰۹۵۸۴۳	۰.۰۱۲۸
اندازه شرکت	۰.۰۳۷۷۳۶	۰.۰۰۲۸۹۹	۱۳.۰۱۶۳۹	۰.۰۰۰۰
نوسانات جریان نقد عملیاتی	-۰.۰۳۱۸۵۶	۰.۰۰۴۷۷۰	-۶.۶۷۸۵۵۹	۰.۰۰۰۱
اهرم مالی	-۰.۰۲۳۵۷۳	۰.۰۰۸۳۴۰	-۲.۸۲۶۵۶۲	۰.۰۱۹۸
زیان	۰.۰۰۲۸۵۱	۰.۰۰۳۶۹۵	۰.۷۷۱۴۴۴	۰.۴۶۰۲
ارزش بازار به دفتری	۰.۰۰۰۶۷۹	۰.۰۰۰۱۳۲	۵.۱۵۰۸۷۶	۰.۰۰۰۶
رشد فروش	-۰.۰۱۱۹۳۲	۰.۰۰۲۰۱۵	-۵.۹۲۱۸۸۰	۰.۰۰۰۲
خطا اقلام تعهدی تجمعی	-۰.۰۰۰۴۵۵	۰.۰۲۰۷۰۴	-۰.۰۲۱۹۶۵	۰.۹۸۳۰
بازده دارایی‌ها	-۰.۰۰۹۸۶۳	۰.۰۰۶۷۳۶	-۱.۴۶۴۱۵۴	۰.۱۷۷۲
عرض از مبدا	-۰.۳۴۳۲۲۹	۰.۰۴۵۵۳۷	-۷.۵۳۷۳۲۷	۰.۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۶۶۰۵۸۱		**دوربین واتسون**	۱.۶۱۵۶۵۳
آزمون معناداری مدل				
		آماره		**احتمال**
آماره F		۱۸.۱۲۶۶۵		۰.۰۰۰۰۰۰

ارزش احتمال آماره ضریب کلی (آمارهF) کوچک‌تر از ۵ درصد است که بیانگر آن است که رابطه‌ای خطی میان متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و رگرسیون از اعتبار آماری لازم برخوردار است.

همچنین در جدول فوق مشاهده می‌شود که ارزش احتمال برای متغیر مدیریت ریسک، ۰/۰۱۲۸ بوده و علامت ضریب برآوردی برای متغیر مذکور مثبت است. از آنجا که مقدار ارزش احتمال کمتر از ۵ درصد است، می‌توان گفت که رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت ریسک و عدم تقارن اطلاعاتی حجم معاملات سهام وجود دارد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تایید می‌گردد.

ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۶۶ درصد و نشان دهنده این است که ۶۶ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تاثیر مدیریت ریسک و کمیته ریسک بر عدم تقارن اطلاعاتی و خطا برآوردی اقلام تعهدی شرکت ها در قالب سه فرضیه مورد بررسی قرار گرفتند. در فرضیه اول با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از طریق رگرسیون خطی چند متغیره و همبستگی در فصل چهار انجام شد همچنین با توجه به خروجی های نرم افزار ایویوز در بررسی تاثیر مدیریت ریسک بر خطا اقلام تعهدی، نتیجه حاکی از این است که سطح معنی دار محاسبه شده کوچکتر از ۵ درصد می باشد. در نتیجه نشان دهنده وجود تاثیر مدیریت ریسک بر خطا اقلام تعهدی شرکت می‌باشد. ضریب محاسبه شده نیز نشان دهنده وجود رابطه معکوس(منفی) بین متغیرهای تحت بررسی می‌باشد. بنابراین نتایج

حاصل از تحقیق نشان داد که بین مدیریت ریسک با خطا اقلام تعهدی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در نتیجه می توان گفت که با افزایش میزان متغیر مستقل(مدیریت ریسک)، متغیر وابسته(خطا اقلام تعهدی) کاهش و با کاهش میزان متغیر مستقل(مدیریت ریسک)؛ متغیر وابسته (خطا اقلام تعهدی) افزایش می‌یابد. منظور از خطای اقلام تعهدی همان مدیریت سود تعهدی شرکت ها است. مدیریت ریسک باعث می شود شرکت ها در زمینه اقلامی همچون سود، هزینه دارایی ها، روش فروش، هزینه مواد اولیه و تجهیزات و... برنامه ریزی دقیق تری انجام دهند، به همین دلیل شرکت های مذبور در آینده با مشکلات کمتری مواجه خواهند شد.از سوی دیگر مدیریت ریسک به جهت نشان دادن سود به مقدار بیشتر از واقع برای سهام داران است در نتیجه هنگامی که مدیریت ریسک به طور صحیح صورت بگیرد شرکت با مشکلات کمتری رو به رو می شود و سود شرکت قابل پیش بینی تر خواهد بود. علاوه بر این مدیران شرکت توانایی مدیریت سود کمتری دارند که بیانگر وجود رابطه ای منفی و معنی دار بین مدیریت ریسک و خطا اقلام تعهدی است. نتیجه آزمون این فرضیه، با نتیجه به‌دست‌آمده از مطالعه ی جانستون و سویلئو هم راستا بود.

در فرضیه دوم با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از طریق رگرسیون خطی چند متغیره و همبستگی در فصل چهار انجام شد همچنین با توجه به خروجی های نرم افزار ایویوز در بررسی تاثیر کمیته ریسک شرکت بر خطا اقلام تعهدی، نتیجه حاکی از این است که سطح معنی دار محاسبه شده بزرگتر از ۵ درصد می باشد. در نتیجه نشان دهنده عدم تاثیر کمیته ریسک شرکت بر خطا اقلام تعهدی می‌باشد. کمیته ریسک دارای منشور مدونی است که به تصویب هیأت مدیره رسیده است. کمیته ریسک بنگاه، اهداف شرکتی، اشتهای ریسک و حدود تحمل ریسک را تعیین مینماید. این کمیته بر فرآیندهای شناسایی و ارزیابی ریسکها و تعیین واکنش مناسب به ریسک نظارت می‌کند. کمیته مذکور کل ریسکهای یک واحد تجاری را تعیین کرده و معیارهایی را برای اهداف و نیز شاخصهایی را برای ریسکهای کلیدی مرتبط بر آنها تعیین می‌نماید. کمیته ریسک مسئول تخصیص منابع و سرمایه کافی و لازم و برنامه‌ریزی در خصوص آنها می‌باشد. کمیته مدیریت ریسک میتواند به افزایش شفافیت در مدیریت ریسک منجر شود و درک مدیران از ریسکها و فرآیندهای مرتبط با مدیریت ریسک را افزایش دهد. لذا انتظار می‌رود که با وجود کمیته ریسک، سود شرکت قابل پیشبینی‌تر شود اما کمیته ریسک تاثیر معناداری بر خطای اقلام تعهدی ندارد.

در فرضیه سوم ما به دنبال آزمون این عبارت هستیم که مدیریت ریسک بر عدم تقارن اطلاعاتی مبتنی بر حجم معاملات سهام تاثیرگذار است. هدف از آزمون این فرضیه که در فصل چهارم انجام شد، ارزیابی تاثیر مدیریت ریسک بر حجم معاملات سهام است. با توجه به نتایج حاصل، بین مدیریت ریسک و حجم معاملات سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتیجه آزمون این فرضیه، با نتیجه به‌دست‌آمده از تحقیقات جانستون و سوئلو (۲۰۲۰)، وو و همکاران (۲۰۱۹)، حیدری و همکاران (۱۳۹۵)، واقفی و جعفری (۱۳۹۵)، هم راستا می باشد. جانستون و سوئلو در پژوهش خود نشان دادند که داشتن یک برنامه مدیریت ریسک سازمانی با خطای برآورد اقلام تعهدی ارتباط منفی دارد و داشتن یک برنامه مدیریت ریسک سازمانی با اقلام تعهدی غیر عادی امضا شده ارتباط مثبتی دارد. لذا مدیریت ریسک سازمانی درک مدیران از شرکت و خطرات احتمالی آن را بهبود می بخشد و می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و بر حجم معاملات تاثیرگذار باشد. وو و همکارانش در پژوهشی به وجود رابطه منفی بین

استقلال هیئت مدیره و عدم تقارن اطلاعاتی پی بردند و این نشان از آن دارد که مدیران مستقل در زمینه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی نقش مؤثرتری دارند. واقفی و جعفری نیز در پژوهشی بین تمرکز مالکیت و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه معناداری یافت نمودند. همچنین نتایج تحقیق نشان دهنده یک ارتباط مستقیم و معنی دار بین این متغیر با سطح عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. طبق یافته‌ها، منظور از متغیر مدیریت ریسک، این است که شرکت ها سعی در کنترل کردن ریسک خود دارند تا از حدی بیشتر نشود و از طرفی منظور از متغیر حجم معاملات، عدم تقارن اطلاعاتی است. عدم تقارن اطلاعاتی یعنی تعدادی از افراد به اطلاعات دسترسی دارند و افراد دیگر به آن اطلاعات دسترسی ندارند. برای متوجه شدن اینکه چه کسانی اطلاعات دارند و چه کسانی اطلاعات ندارند از معیار حجم معاملات استفاده می شود یعنی حجم معاملاتی که در شرکت انجام شده نسبت به سایر گروه های هم صنعت خودش فرق می کند که این باعث ایجاد شکاف می شود. برای از بین بردن این شکاف باید بر روی عدم تقارن اطلاعاتی تمرکز نمود. در شرکت هایی که مدیریت ریسک رعایت می شود طبیعتا شرکت را در شرایط بهتری قرار می دهدو ریسک را برای سهام داران کم تر می کند و شرایط را برای آنها مطلوب تر می کند و سرمایه گذاری را کم ریسک ترو مطلوب تر می کند.

پیشنهادهای کاربردی مبتنی بر نتایج پژوهش

همان طور که نتیجه فرضیه اول نشان داد مدیریت ریسک می توتند باعث کاهش مدیریت سطح سود شود. از آنجایی که مدیریت سود یک عامل منفی برای سهام داران و مالکان در نظر گرفته می شود و شرکت را در شرایطی به دور از واقعیت به آن ها نشان می دهد، به همین جهت یافته های این تحقیق می تواند برای سهام داران مفید باشد. در نتیجه به سهامداران و هیات مدیره ی توصیه می شود در زمینه ی مدیریت ریسک شرکت ها اقدامات قابل توجهی همچون برگزاری جلسات کمیته ریسک، ارائه و تفسیر گزارش های مدیریت ریسک و... را انجام دهند تا مشکل مدیریت ریسک در شرکت ها کاهش پیدا کند و منافع سهامداران به درستی رعایت شود.

با توجه به تایید شدن فرضیه سوم پژوهش، بین مدیریت ریسک و حجم معاملات سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد. لذا به شرکت ها و سرمایه گذاران توصیه می شود که سعی کنند مدیرانی را استخدام کنند که دارای تسلط بالایی در مدیریت ریسک بوده تا در شرایط بحرانی، شرکت کنترل‌پذیرتر باشد که این امر باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات شده و در نتیجه تصمیمات بهتری گرفته می‌شود و عملکرد شرکت با کیفیت‌تر می‌شود.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

در این پژوهش به علت ماهیت متفاوت شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، این شرکت‌ها از لیست نمونه پژوهش حذف شدند. پیشنهاد می‌گردد که در پژوهش‌های آتی، تنها شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته و نتایج مقایسه گردد.

پیشنهاد می‌گردد که نتایج حاصل از تحقیق حاضر در مورد صنایع مختلف به تفکیک صنعت خاص انجام شود و نتایج مقایسه گردد.

محدودیت های پژوهش

به منظور محاسبه متغیرهای موجود در این پژوهش، روش‌های محاسباتی گوناگونی وجود دارد که امکان بررسی تمامی روش‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد. لذا برای محاسبه هر متغیر، تنها از یک روش محاسباتی استفاده شده است. در صورت استفاده از سایر روش‌های محاسباتی، احتمالا نتایج متفاوتی حاصل می‌شد.

منابع

صالحی کردآبادی، سجاد؛ زاد دوستی، فرزانه(۱۳۹۹). رابطه حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره سوم، شماره۲۶،صص ۱۰۹-۹۲.

فتاحی نافچی، حسن؛ فاضل دهکردی، عاطفه(۱۳۹۷). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره اول ،شماره ۲،صص ۸۲-۶۸.

کاظمی، حسین؛ مهری نمک آورانی، امید(۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت بر مدیریت سود واقعی و مدیریت ریسک یکپارچه شرکت ها، مطالعات نوین کاربردی در مدیریت اقتصاد و حسابداری ،دوره ۱، شماره۳، صص ۶۸-۵۱.

نجفی زاده، بهناز و مهام، کیوان. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرایط عدم اطمینان محیطی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری.

واقفی، سکینه و جعفری، محسن. (۱۳۹۵).بررسی ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و تمرکز مالکیت با مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چهارمین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و اولین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز.

Ajinkya, B., Bhojras, S. & Sengupta. (2015). The Association between Outside Directors, Institutional Investors and the Properties of Management Earnings Forecasts. Journal of Accounting Research, 43(3), 343-376.

Brown, S. and Hillegeist, S.A. (2017), "How disclosure quality affects the level of information asymmetry", Review of Accounting Studies, Vol. 12 Nos 2-3, pp. 443-477.

Cohen, J., Krishnamoorthy, G., Wright, A., 2017. Enterprise risk management and the financial reporting process: The experiences of audit committee members, CFOs, and external auditors. Contemp. Account. Res. 34, 1178–1209.

Diamond, A., Prevor, M., Callender, G. & Druin, D. (1997). Prefrontal cortex cognitive deficits in children treated early and continuously for PKU. Monographs of the Society for Research in Child Development, 62(4), 252- 279.

Inaam, Z., & Khamoussi, H. (2016). Audit committee effectiveness, audit quality and earning management: A meta- analysis. International Journal of Law and Management, 58(2), 179-196.

Johnston, J., Soileau, J (2020). Enterprise risk management and accruals estimation error, Journal of Contemporary Accounting and Economics, https://doi.org/10.1016/j.jcae.2020.100209.

Shayan nia, M, Sinnadurai, P, Sanusi, Z, Hermawan, A (2017). How Efficient Ownership Structure Monitors Income Manipulation? Evidence of Real Earnings Management among Malaysian Firms.Research in International Business and Finance http://dx.doi.org/10.1016/j.ribaf.2017.04.013.

Shin, Hoyoung & Oh, Hyunmin. (2017). The Effect Of Accruals Quality On The Association Between Voluntary Disclosure And Information Asymmetry In Korea. Journal of Applied Business Research (JABR), 33(1), 223-236. https://doi.org/10.19030/jabr.v33i1.9892

Wu, Kean & Sorensen, Susan & Sun, Li. (2019). "Board independence and information asymmetry: family firms vs non-family firms", Asian Review of Accounting, https://doi.org/10.1108/ARA-05-2018-0110 Permanent link to this document: https://doi.org/10.1108/ARA-05-2018-0110

Applied Researches in Management and Accounting

28

Vol 7
Autumn 2022

Research Paper

The impact of risk management and risk committee on information asymmetry and estimation error of accruals

Shahla Sajjadi Nezhad [1]*

Abstract

The main goal of this research is the impact of management and risk committee on information asymmetry and estimation error of accruals. The method of this research is practical. Also, this research is longitudinal in terms of the research time, and it is analytical in terms of purpose. Also, this research is of the correlation-regression analysis type. The research period is 7 years from 2013 to 2019. The statistical population included all the companies listed to the Tehran Stock Exchange. To test the hypotheses and determine the relationship between variables, econometric models have been used and the relevant hypotheses have been investigated using the panel multivariate regression method. The results of the research showed that risk management has a negative and significant effect on error of accruals. The risk committee does not have a significant effect on the error of accruals. Risk management has a positive effect on information asymmetry.

Keywords: risk management, information asymmetry, estimation error of accruals, risk committee.

[1] Corresponding author: Department of Economics, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran / *sh.sajadinezhad@gmail.com*